

صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران

مسعود عبدالحسین پورفرد

شناسنامه پژوهشی

عنوان تحقیق: صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده: نظام‌های اسلامی، گروه علمی: سیاست

محقق: مسعود عبدالحسین پورفرد

ارزیابان علمی: دکتر عبدالوهاب فرائی و دکتر علی شیرخانی

مدت انجام تحقیق: ۴ سال



صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران

مسعود عبدالحسین پورفرد

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۲ شماریان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: مجاب

سرشناسه: عبدالحسین پورفرد، مسعود، ۱۳۲۸.

عنوان و نام پدیدآور: صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران /

مسعود عبدالحسین پورفرد

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۲۱۵-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فنیاً

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: تجدد- ایران- تاریخ- قرن ۱۴.

موضوع: تجدد- ایران- تاریخ.

موضوع: تجدد- روشنفکران دینی- ایران- قرن ۱۴.

موضوع: روشنفکران ایران- قرن ۱۴.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ع۲/۱۵۹۱ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۰۴۹۹

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۴۵
۱. روشنفکری و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.....	۱۷
۲. روشنفکران ایرانی و ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی.....	۱۹
اهداف.....	۲۳
ضرورت تحقیق.....	۲۳
پیشینه تحقیق.....	۲۴
سؤال اصلی.....	۲۹
سؤال‌های فرعی.....	۳۰
تعریف اصطلاحات و مفاهیم اصلی تحقیق.....	۳۰
۱. روشنفکری.....	۳۰
۲. روشنفکری دینی.....	۳۰
۳. روشنفکر سنتی‌اندیش.....	۳۲
۴. روشنفکر تجددگرا.....	۳۳
۵. روشنفکر مُجدد.....	۳۳
۶. صورت‌بندی.....	۳۳
فرضیه تحقیق.....	۳۳
چارچوب نظری تحقیق.....	۳۴

روش تحقیق.....	۳۴
سازماندهی تحقیق.....	۳۴
بخش اول: مفاهیم، کلیات و تمهیدات نظری.....	۳۷
فصل اول: بررسی واژگان روشنفکری.....	۳۹
فصل دوم: واژه روشنفکری در ایران.....	۴۵
فصل سوم: صورت‌بندی‌های روشنفکری در ایران.....	۴۷
۱. صورت‌بندی بر اساس رویکرد به حکومت و مردم (خائن و خادم).....	۴۷
۲. صورت‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخی.....	۴۸
۳. صورت‌بندی نسلی.....	۵۴
۴. صورت‌بندی با رویکرد به مدرنیته.....	۵۷
۵. صورت‌بندی با رویکرد به طبقات اجتماعی.....	۵۹
۶. صورت‌بندی با تأکید بر نقش دین.....	۶۱
۷. صورت‌بندی بر اساس پارادایم فکری و اندیشه‌ای.....	۶۲
۸. صورت‌بندی روشنفکری بر اساس تیپ‌شناسی.....	۶۵
۹. صورت‌بندی تحت تأثیر تحولات انقلاب اسلامی (صورت‌بندی مورد نظر محقق).....	۶۶
فصل چهارم: بررسی ادله مخالفان و موافقان روشنفکری دینی.....	۷۱
۱. استدلال گروه مخالفان.....	۷۱
۱-۱. به لحاظ خاستگاه تاریخی.....	۷۱
۱-۲. تخلف در پابندی به اصول مدرنیته.....	۷۲
۱-۳. تجددگرایی غیرقابل جمع با دینداری.....	۷۲
۱-۴. گسست سنت و مدرنیته.....	۷۲
۲. استدلال موافقان واژگان روشنفکری دینی.....	۷۳
۲-۱. عدم گسست سنت و مدرنیته.....	۷۳
۲-۲. روشنفکری دینی به مثابه الگوی خاص.....	۷۴
۲-۳. روشنفکری دینی، ترکیبی اضافی یا حداقل بازسازی یکی از دو عنصر.....	۷۶
فصل پنجم: تاریخچه روشنفکری دینی.....	۷۹

فصل ششم: منظور ما از روشنفکری دینی.....	۸۱
فصل هفتم: شاخص‌های روشنفکری دینی.....	۸۵
۱. حوزه فرهنگ و اندیشه.....	۸۶
۱-۱. اهتمام به عقلانیت و عقل.....	۸۶
۱-۲. پایبندی به نظام دانایی دینی.....	۸۷
۱-۳. آزاداندیشی و فرهنگ تعامل.....	۸۸
۱-۴. تفکر انتقادی و نوآوری.....	۸۹
۱-۵. کاشف و مستخرج معضلات جامعه.....	۸۹
۲. حوزه سیاست و قدرت سیاسی.....	۹۰
۲-۱. تبیین‌کننده موانع سیاسی و شکاف‌های بین دولت و ملت.....	۹۰
۲-۲. اعتقاد به اصل نظارت و کنترل قدرت سیاسی.....	۹۰
۲-۳. معتقد به رابطه منطقی بین سیاست و فضائل معنوی.....	۹۱
۳. حوزه اخلاق و هنجارها.....	۹۱
۳-۱. اخلاق پرسشگری و کنجکاوی.....	۹۱
۳-۲. معتقد به اخلاق عملی و کاربردی در جامعه.....	۹۲
۴. حوزه اقتصاد و معیشت.....	۹۳
۴-۱. معتقد به عدالت اقتصادی در جامعه و رفع فاصله طبقاتی در جامعه.....	۹۳
۴-۲. اعتقاد به فرهنگ کار و تلاش و مبارزه با رانت‌گرایی.....	۹۳
نتیجه‌گیری.....	۹۴
فصل هشتم: چارچوب نظری تحقیق و سطح تحلیل.....	۹۵
۱. نظریه ساختاربندی و مفاهیم آن.....	۹۶
۲. دوگانگی ساخت.....	۹۸
۳. کارگزار و مسئله آگاهی.....	۹۸
۴. زمان و مکان.....	۱۰۰
۵. ساخت و خواص ساختاری.....	۱۰۱
۶. قدرت.....	۱۰۲

- فصل نهم: روش تحقیق: بازخواندیشی ۱۰۵
- سطح تحلیل در روش بازخواندیشی ۱۰۸
- بخش دوم: صورت‌بندی روشنفکری سنتی اندیش (در جمهوری اسلامی) ... ۱۱۷**
- فصل اول: گفتمان روشنفکری غیردینی سنتی اندیش ۱۱۹
- روشنفکران ناسیونالیسم ایرانی ۱۱۹
- نتیجه‌گیری ۱۲۴
- فصل دوم: گفتمان روشنفکری دینی سنتی اندیش ۱۲۷
- روشنفکران دینی سنتی اندیش (مصادیق) ۱۳۳
- بخش سوم: روشنفکری تجدیدگرا در عصر جمهوری اسلامی ۱۴۵**
- فصل اول: پیشینه گفتمان تجدیدگرا ۱۴۷
۱. گفتمان روشنفکری دینی تجدیدگرا ۱۵۰
۲. گفتمان فلسفه تحلیل و هرمنوتیک ۱۵۱
۳. روشنفکری دینی تجدیدگرای ملی - مذهبی ها ۱۶۳
- ۳-۱. مواضع سیاسی - اجتماعی نهضت آزادی ۱۶۴
- ۳-۲. ولایت فقیه از منظر نهضت آزادی ۱۶۴
- ۳-۳. رویکردها و دیدگاه‌های فرهنگی نهضت آزادی ۱۶۵
- ۳-۴. دیدگاه اقتصادی نهضت آزادی ۱۶۵
- ۳-۵. سیاست از منظر نهضت آزادی ۱۶۶
۴. گفتمان روشنفکران دینی تکنوکرات (کارگزاران) ۱۶۷
- ۴-۱. دیدگاه‌های فرهنگی - سیاسی کارگزاران ۱۶۸
- ۴-۲. آزادی از دیدگاه کارگزاران ۱۶۹
- ۴-۳. اقتصاد از منظر کارگزاران ۱۶۹
۵. گفتمان نوشریعتی ها ۱۷۰
- ۵-۱. بازخواندیشی و خودانتقادی در گفتمان نوشریعتی ها ۱۷۱
۶. گفتمان روشنفکران تجدیدگرای غیردینی ۱۷۴
- ۶-۱. گفتمان مدرنیته (درون‌زا، نقد درون‌زا و جهانی) ۱۷۴

۶-۲	گفتمان مدرنیته فلسفی - معرفت‌شناختی	۱۸۳
۶-۳	گفتمان مدرنیته و دموکراسی - نئومارکسیست انتقادی	۱۸۶
۶-۴	گفتمان فلسفه اروپایی یا قاره‌ای	۱۹۵
۶-۵	گفتمان تجددگرایی ادبی	۲۰۶
۲۲۱	بخش چهارم: گفتمان روشنفکران دینی مُجدّد	
۲۲۷	فصل اول: پیشینه روشنفکران مُجدّد	۲۲۷
۲۴۳	فصل دوم: روشنفکری دینی مُجدّد در جمهوری اسلامی	۲۴۳
۲۴۳	۱. امام خمینی: پرچمدار روشنفکری مُجدّد	۲۴۳
۲۴۶	۲. گفتمان فلسفی سیاسی و نقد ساختارهای دینی (شهید مطهری و...)	۲۴۶
۲۴۸	۳. گفتمان سازمان سیاسی و نقد جامعه‌پذیری سیاسی (شهید بهشتی و...)	۲۴۸
۲۷۱	۴. گفتمان نظام‌وارگی و انسجام منطقی شهید صدر	۲۷۱
۲۸۰	۵. گفتمان تمدن اسلامی و فقه سیاسی - اجتماعی (آیت‌الله خامنه‌ای و...)	۲۸۰
۲۹۹	نتیجه‌گیری	۲۹۹
۳۰۳	کتابنامه	۳۰۳
۳۱۷	فهرست آیات	۳۱۷
۳۱۹	نمایه اعلام	۳۱۹
۳۲۵	نمایه موضوعی	۳۲۵

پیشگفتار

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و استقرار نظامی بر اساس آموزه‌ها و احکام اسلامی در ایران، از یک‌سو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام، به‌عنوان دین هدایت فرد و اداره جامعه، به تبیین و ترسیم نظام‌های اجتماعی بپردازد؛ دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، مستدل و مستند ارائه گردد؛ پیش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی اهل دین، آسیب‌شناسی گردد و صاحب‌قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته شود.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامانمند پیرامون کشف و سازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هم‌تنی والا و تلاشی شایسته و روزآمد می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی کارآمد میسر نیست. بدین منظور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که نهادی علمی است، در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «دانشنامه‌نگاری دینی» و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر پنج گروه «اقتصاد»، «فقه و حقوق»، «سیاست»، «اخلاق» و «مدیریت اسلامی» است، به‌طور خاص، با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف زیر را پیگیری می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظام‌های اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدرسانی به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. تحقیق در باب مسائل برپدید، به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوظهور فقهی؛

۵. پاسخ‌گویی به شبهات مطرح در زمینه فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۶. شناخت و نقد علمی مکتب‌ها و نظام‌های معارض.

تحقیق حاضر، نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند، جناب آقای دکتر مسعود پورفرد، در گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی است که به موضوع روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

محقق ارجمند، صورت‌بندی روشنفکری را در چهار فصل ارائه می‌دهد: در بخش تمهیدات نظری (فصل اول)، به بررسی گونه‌های مختلف صورت‌بندی روشنفکری در ایران، بر مبنای نوع رابطه حکومت و مردم، بر اساس دوره‌های تاریخی، نسلی، مدرن، با رویکرد به طبقات اجتماعی، با تأکید به نقش دین، بر اساس پارادایم فکری و اندیشه‌ای، بر اساس تیپ‌شناسی و صورت‌بندی، تحت تأثیر تحولات انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند و مورد اخیر را بر اساس دیدگاه مخالفان و موافقان روشنفکری دینی تبیین می‌نماید و شاخص‌های روشنفکری دینی را در حوزه فرهنگ و اندیشه، حوزه سیاست و قدرت، حوزه اخلاق و هنجار، و حوزه اقتصاد و معیشت ارائه می‌کند.

در فصل دوم، صورت‌بندی روشنفکری سنتی‌اندیش دینی و غیردینی در جمهوری اسلامی بررسی شده است.

در فصل سوم، صورت‌بندی روشنفکری تجددگرای دینی در قالب چهار گفتمان: گفتمان فلسفه تحلیلی و هرمنوتیک، گفتمان ملی - مذهبی‌ها، گفتمان تکنوکرات‌ها و فن‌سالاران، و گفتمان نوشریعتی‌ها ارائه شده است. روشنفکری تجددگرای غیردینی نیز در قالب پنج گفتمان: گفتمان مدرنیته درون‌زا، گفتمان مدرنیته فلسفی - معرفت‌شناختی، گفتمان مدرنیته و دموکراسی - نئومارکسیست انتقادی، گفتمان فلسفه اروپایی یا قاره‌ای و گفتمان تجددگرای ادبی بررسی می‌شود.

در فصل پایانی (فصل چهارم)، صورت‌بندی روشنفکری مُجدّد که مورد توجه محقق است، در جمهوری اسلامی بررسی می‌شود. مؤلف به نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی، میرزا محمدحسین نائینی و امام خمینی علیه السلام، به‌عنوان پرچم‌دار روشنفکری مُجدّد در ایران می‌پردازد و گفتمان فلسفی - سیاسی و نقد ساختارهای دینی شهید مطهری و گفتمان سازمان سیاسی و نقد جامعه‌پذیری سیاسی شهید بهشتی، گفتمان نظام‌وارگی و انسجام منطقی شهید صدر و گفتمان تمدن اسلامی و فقه سیاسی - اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه این بخش نقد و بررسی می‌شود.

بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق ارجمند، جناب آقای دکتر مسعود پورفرد، تشکر و قدردانی نماییم.

همچنین از شورای علمی گروه سیاست و نیز ارزیابان تحقیق، دکتر عبدالوهاب فراتی و دکتر علی شیرخانی که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، چاپ و توزیع این اثر است کمال سپاس و امتنان را داریم.

گروه سیاست

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

www.ketab.ir

مقدمه

آنچه در تبارشناسی مسئله روشنفکری حائز اهمیت است، سابقه روشنفکری و صورت‌بندی اولیه آن است. در بررسی سابقه روشنفکری در جهان، حداقل به لحاظ تقدم زمانی، ابتدا به شناسایی روشنفکری غرب و مقایسه آن با روشنفکری ایران می‌پردازیم و به احمال، شناسایی، بازخوانی صورت‌بندی و تحولات آنها را بررسی می‌کنیم و سپس، در صورت وجود سنخیت و مناسبت، الگوی روابط آنها با روشنفکری ایران، می‌تواند برای ما آموزنده باشد.

با توجه به تحولات انقلاب فرانسه از قرن هجدهم تا پایان قرن بیستم و پیامدهای بعدی آن، باید اعتراف کرد که کانون جریان‌های روشنفکری در جهان کشور فرانسه بوده است و اغلب کشورها متأثر از پروژه روشنفکری در این سرزمین بوده‌اند. نمونه‌ها و مقایسه‌های مختلف در قرن هجدهم، که حکایت از نقش فرانسه در موضوع روشنفکری دارد، را می‌توان در سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان مشاهده کرد. انگلیس درگیر مسائل استعماری و بسط و گسترش حوزه نفوذ خود بود و پیامد این رویکرد، رسیدن به سرمایه‌داری مبتنی بر تجارت آزاد شد. آلمان هم هنوز به وحدت سیاسی نرسیده بود؛ لذا اوضاع روشنفکری در این کشور، حاصل برخی تأملات فلسفی پراکنده و نامنسجم بود؛ درواقع، آلمان غرق در فضای فلسفه ایدئالیستی و روشنفکری در فرانسه، به دلیل تلاطمات اجتماعی، بسیار فعال و تأثیرگذار بود. علت تأثیرگذاری این بود که در زمینه اجتماعی، به میزانی از همبستگی رسیده و در

زمینه روشنفکری هم از اجماع نسبی برخوردار بودند که همین خود باعث تقویت مبانی همبستگی در آن سرزمین بود. در چنین فضایی، تعارض‌های روشنفکری به‌جای اینکه سبب زوال و اضمحلال بنیادهای سیاسی-اجتماعی فرانسه شود، به تقویت مکانیسم و پویایی اندیشه‌ها منجر شد.^۱ این رویکرد اجتماعی روشنفکران فرانسوی در پروسه‌ای، خصلت ضدبورژوازی به خود گرفت و علایق چپ در میان روشنفکران فرانسوی رشد کرد که باید گفت این گرایش، ناشی از بروز انقلاب صنعتی در فرانسه بود که در مقایسه با انگلیس با تأخیر شروع شد؛ البته، آغاز انقلاب صنعتی در فرانسه به بعد از سال ۱۸۳۰ مربوط می‌شود. از همین زمان‌هاست که جنبش سوسیالیستی در قالب یک جریان روشنفکری شکل می‌گیرد. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت در میان این تحولات، روشنفکران کلاسیک جون ولتر، مونتسکیو و روسو پا به عرصه حیات می‌گذارند و در ادامه روشنفکران به سوسیالیسم قرن نوزدهم و امثال سن سیمون و پرودون می‌رسند. بعد از آن، روشنفکران عمل‌گرا پا به عرصه می‌گذارند که در چارچوب قواعد دموکراسی و از طریق احزاب، فعالیت می‌کنند. پس از جنگ جهانی دوم، تا دهه شصت، سارتر اهمیت فوق‌العاده می‌یابد. او بیش از دو دهه (۵۰-۶۰) بر تمام جریان‌های روشنفکری، سایه انداخته بود، به‌گونه‌ای که حضور سارتر و اگرستانسالیسم او مانع از بروز دیگر تفکرات بود. سپس و با گذشت دو دهه، صحنه روشنفکری برای ساخت‌گرایان آماده شد. ساخت‌گرایان تأکید بیش‌ازحد مدرن‌تر بر سوژه یا خوداندیشنده را مورد انتقاد قرار دادند. درمجموع، اندیشه این نحله به‌جای تأکید بر ذهن، عمدتاً، به نظام نشانه‌های آنها توجه کرد و پدیده‌های اجتماعی و فردی را در چارچوب سازمان‌های زبانی تحلیل نمود؛ به همین دلیل بود که آنها مرگ سوژه را شعار اساسی خود قرار دادند؛ اما وضعیت بدین منوال باقی نماند و از سوی اندیشمندانی همچون فوکو، دریدا، لیوتار و رولان بارت؛ ساختارگرایی نیز مورد نقد قرار گرفت. پس‌اساخت‌گرایان به‌جای درافتادن در

۱. احمد نقیب‌زاده؛ سیاست و حکومت در اروپا؛ ص ۸۹-۲۰۵.

دام تقابل‌های دوتایی به عنصر دلالت‌کننده توجه کردند؛ به این معنی که اهمیت و پویایی زبان در سیلان و ناپایداری معناها قابل جست‌وجوست. به نظر آنها، قدرت است که زبان را در اختیار می‌گیرد و آن را در جهت بسط خود و دانش به کار می‌برد؛ در حقیقت، روشنفکر در شبکه زبان، قدرت و دانش خود، فاعل موضوع و ابزار قدرت است. به نظر می‌رسد، پروژه روشنفکری در غرب بر اساس نیازهای جامعه و در یک فرایند علمی، پروسه تکاملی خود را طی کرده است و از قابلیت و ظرفیت‌های مشخص برخوردار است؛ اما تعمیم این فرایند و رویه‌ها به جغرافیای متفاوت روشنفکران، بسیار سخت و دشوار است.

۱. روشنفکری و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

شاید بتوان گفت، پس از عصر دکارت، که پرچم نقادی جدی جامعه به همت تعهد اخلاقی روشنفکران به امتزاج درآمد، در این بین، شاید، کسی بهتر از کانت چنین نقش مهمی را ایفا نکرد. کانت در سال ۱۷۸۴ در پاسخ به این پرسش مهم که روشنگری چیست، گفته بود:

روشنگری عبارت است از بیرون آمدن انسان از حالت کودکی؛ درواقع، رهایی از عقده حقارت؛ حقارتی که در انسان است و مثلاً آن هم در وجود خود اوست.^۱ چراکه، پرسش انتقادی نمی‌کند؛ درواقع، همین شیوه و شکل از نقادی وارد حوزه روشنفکری بعدی، یعنی اندیشمندان فرانسوی مانند واتس، دیدرو و دالامبر شد که در پی آن بودند که با انتشار دانشنامه‌ای بزرگ، راه اندیشدن را باز کنند و انحصار دانش را از دست طبقات خاص بیرون بیاورند؛ درحقیقت، از همین دوره است که بحث درباره روشنفکران و صاحبان قدرت رونق می‌گیرد؛ به‌طور کلی در رابطه با روشنفکری غربی و مسئله ساختارها، همواره می‌توان نشان از تعاملی آشکار و نهادینه شدن یافت.

دو نحله عمده روشنفکری غرب، یعنی روشنفکران انگلوساکسون - آمریکایی و روشنفکران اروپایی، دو کنش شناخته‌شده در رابطه با ساختارهای

۱. امانوئل کانت و... روشنگری چیست؟ نظریه‌ها و تعریف‌ها؛ ص ۱۷-۲۷.

سیاسی اختیار کرده‌اند: روشنفکران انگلوساکسون - آمریکایی در خدمت قدرت، مشاوران و کارگزاران دولت بوده‌اند؛ مانند فوکویاما و هانتینگتون، اما روشنفکران اروپایی، غالباً، نقش انتقادی نسبت به ساختارهای سیاسی داشته‌اند که می‌توان از روشنفکران اروپایی؛ سارتر، هورکهایمر، هابرماس و فوکو را نام برد. در خصوص روابط روشنفکران و ساختارها، ازجمله معروف‌ترین ساختارگرایان، آلتوسر، که در صدد بازاندیشی مفاهیم اساسی این نحله فکری نیز برآمد با مقاله «ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژی» در سال ۱۹۷۰ ادعا کرد، همه افرادی که خود را روشنفکر می‌دانند، به‌نوعی از پیش جزء عوامل ساختاری و ایدئولوژیک هستند؛^۱ به تعبیر دیگر، ایدئولوژی ضمن تخریب روابط و مناسبات تولیدی موجود، گونه‌ای آرایش عرضه می‌کند که مردم بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. ایدئولوژی به قوام‌بخشی ذهنیت آدمیان می‌پردازد؛ آنان را که با آن موافق‌اند تمجید می‌کند و آنهایی که از آن فاصله می‌گیرند، نکوهش می‌کند و به آدمیان هویت می‌بخشد. آلتوسر می‌خواهد بگوید که من و شما هرکدام در زمره این سوژه‌ها هستیم و در معرض خطاب ایدئولوژی قرار داریم. در اینجا نقش روشنفکران، به‌عنوان سوژه‌هایی که در تداوم و تثبیت این دستگاه ایدئولوژی مؤثر هستند قابل انکار نیست. از سوی دیگر، فوکو در نحله فراساختارگرایی، ساختار سیاسی را عامل اصلی در زمانه حاضر می‌داند؛ هرچند که قدرت، مفهومی بس پویا و سیال است؛ اما او می‌گوید: هیچ‌کس، حقیقتاً، قدرت را به‌طور انحصاری در اختیار ندارد.^۲

به تعبیر دیگر، امروزه فهم اینکه قدرت در دست چه کسی است، بسیار سخت و دشوار می‌نماید؛ اما فهم اینکه چه کسی مقهور و مفعول قدرت شده و قدرت ندارد، بسیار سهل و آسان است؛ بنابراین، با رویکرد فوکو، وظیفه روشنفکران در این زمان، فهم و تحلیل همین شبکه‌های قدرت و جایگاه آنها در حوزة‌های بومی و محلی است؛ ازجمله افراد دیگر، الوین گولدنر،

۱. حسین بشیریه؛ *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*؛ ص ۳۱۰-۳۱۳.

۲. محمد ضمیران؛ *میشل فوکو: دانش و قدرت*؛ ص ۱۵۶.

جامعه‌شناس آمریکایی، نیز همین نگاه را دارد و این همان چیزی است که گرامشی هم تحت عنوان روشنفکر ارگانیک از آن بحث می‌کند و می‌گوید: روشنفکران در پیوندی مستقیم با طبقه تشکیلاتی خاص قرار دارند و در جهت سازماندهی و کسب قدرت از آنها استفاده می‌شود.^۱

و نیز ژاک دریدا در مهم‌ترین کتاب خود، *شیخ مارکس*، ضمن اعلام پایان یافتن دوران کمونیست و پیدایش فضای جدید تکنولوژیک، اظهار می‌دارد که دیگر، پیروی از راه سارتر، راسل و آلبرکامو تمام شده است و به‌طور کلی، ظهور و انتشار اطلاعات و ارتباطات جدید، مسئولیت‌های تازه‌ای در برابر روشنفکران قرار داده است و لذا باید در پی نقد خردگامگی‌های قدرت‌های یکه‌تاز برآیند و چون چشم و زبان طبقات محروم عمل کنند^۲ به‌هر حال، بدیهی است، اکنون چه در امریکا و چه در اروپا، روشنفکر، شخصیتی مشکل و متشخص ندارد؛ یعنی دیگر نباید او را چون سارتر، آلبرکامو، ریمون ارون یا برتراند راسل، شخصیتی اسطوره‌ای دانست؛ بلکه موجودی است که جنبه حرفه‌ای آن بر جنبه اجتماعی‌اش غلبه یافته است. شاید بتوان این حرفه‌گرایی را به‌قول ادوارد سعید جنبه خطرناک و انحرافی زندگی روشنفکر امروزی به‌شمار آورد.^۳

۲. روشنفکران ایرانی و ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

واژگان روشنفکری در ایران از زمان قاجار، به‌طور عام، رواج یافت. کلماتی همچون *منورالعقول*، *منورالفکر* در دوره مشروطه، به‌طور خاص وارد گفتمان ادبیاتی فارسی شد. در دوره مشروطه، ابتدا میرزا آقاخان کرمانی واژه «*منورالعقول*» را وارد ادبیات می‌نماید و آن را برای افرادی به‌کار می‌برد که متأثر از نهضت روشنفکری و عصر خردگرایی در فرانسه قرن نوزدهم هستند و از قانون و تجدد طرفداری می‌کنند.^۴ پس از مدتی اصطلاح *منورالعقول* به *منورالفکر*

۱. فرزین وحدت؛ *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*؛ ص ۱۸۲.

۲. محمد ضمیران؛ *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*؛ ص ۲۴۱.

۳. ادوارد سعید؛ *نشانه‌های روشنفکری*؛ ص ۹۹-۱۰۰.

۴. عبدالهادی حائری؛ *نخستین رویاروئیهای اندیشه‌گران ایران با دویزه تمدن بورژوازی غرب*؛ ص ۲۸۰.

تبدیل می‌گردد. منورالفکران، تجددخواه و طرفدار سرنگونی استبداد سیاسی و استقرار حکومت قانون بودند. سرانجام در دوره پهلوی، اصطلاح منورالفکر به روشنفکر تبدیل شد و در دوره جمهوری اسلامی، واژه روشنفکری دینی در ادبیات انقلاب اسلامی رواج یافت. بررسی رفتار این گروه در دوره جمهوری اسلامی، به‌ویژه، در تعامل با قدرت نوظهور، می‌تواند راه‌گشای تحلیل بخشی از مسائل و تحولات سیاسی - اجتماعی ایران باشد. به‌طور کلی، در بررسی وضعیت روشنفکری ایران در مقایسه با غرب باید گفت: هرچند، پروژه روشنفکری در غرب در دو زمینه «تولید اندیشه‌های سیاسی» و «رهبری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی» نقش مهمی ایفا کرده است و صورت‌بندی‌های متعددی را خلق کرده است؛ اما سهم روشنفکران ایرانی در موضوع اول (تولید اندیشه سیاسی) بسیار ناچیز بوده و متأسفانه این اندیشه، به‌صورت بیمارگونه وارد ایران شد؛ اما دومی (رهبری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی) در دوره مشروطه تا حدودی تأثیرگذار بوده است. باین‌حال، پروژه روشنفکری در ایران با غرب متفاوت است. شاید دلایل و شرایط زیر تا حدودی قانع‌کننده باشند:

اول اینکه، بین شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تفاوت وجود دارد. بعضی از جوامع از توسعه سیاسی پادان، سطح سواد و آموزش پیشرفته، فرهنگ مشارکتی و پشت‌تاز بهره‌مند و برخی جوامع از این امور بی‌بهره‌اند؛ بنابراین، وضعیت روشنفکران این جوامع نیز متفاوت است و از این حیث، ایران با غرب تفاوت اساسی دارد و اگر تعاملی وجود داشته، بیمارگونه بوده است.

دوم اینکه، روشنفکران در بیشتر کشورها یکی از سالم‌گون‌ترین و غیرمنسجم‌ترین گروه‌های نخبه بوده و عقاید آنها در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گوناگون بوده است.

سوم اینکه، ویژگی‌های شخصیتی و هویتی روشنفکران در جوامع مختلف با هم متفاوت است. بعضی شخصیت‌ها، احساسی و برخی عقلانی و بعضی روحیه منفعلانه دارند. با ذکر این اوصاف، به‌نظر می‌رسد، وضعیت پروژه روشنفکری در ایران نیز متفاوت با سایر روشنفکران جهان است و به تبع آن، صورت‌بندی‌های آن نیز متفاوت است. علی‌رغم اینکه تأثیرپذیری از همدیگر غیرقابل‌انکار

می‌باشد؛ ولی متأسفانه در این تعامل، تأثیر روشنفکران غربی روی ایرانیان بسیار بیشتر بوده است. به هر حال، مسئله مهم و حائز اهمیت، رابطه روشنفکران ایرانی با ساختارها و سپس صورت‌بندی‌های جدید است که می‌توان آن را چنین توصیف کرد: در رابطه روشنفکران ایرانی و مسئله ساختارهای مختلف، برخلاف غرب، در ایران همواره نشان از تشتی آشکار و فقدان نهادمندی و نهادپذیری وجود دارد. قدرت‌ها در تاریخ ایران، در رابطه با روشنفکران، معمولاً دو رویکرد تطمیع و تهدید را پیش می‌گرفتند و تلاش در جذب و به خدمت گرفتن روشنفکران را در دستور کار خود قرار می‌دادند که در صورت محقق نشدن این رویکرد، به طرد، نفی و حاشیه‌نشینی روشنفکران می‌پرداختند.

از طرفی، روشنفکران نیز در رابطه با قدرت، دو خط مشی را در دستور کار خود قرار می‌دادند: نخست، سعی در تأثیر گذاشتن بر آن در سطح سیاست‌گذاری کلان به واسطه نفوذ در دولت را مد نظر داشته‌اند. روشنفکرانی، مانند تقی‌زاده و محمدعلی فروغی را می‌توان از این گروه نام برد.^۱ گروه دوم، با موضع‌گیری در مقابل قدرت‌ها و ظاهر شدن در نقش منتقد، از طریق مطبوعات، سخنرانی‌ها، احزاب سیاسی و اتحادیه‌ها قلم کرده‌اند که می‌توان از افرادی شاخص همچون جلال آل‌احمد و دکتر شریعتی نام برد.^۲ که بخش وسیعی از آثار و تفکر آنها با هدف احیاء سنت‌های دینی و نوسازی، غرب‌ستیزی و نیز بومی‌گرایی شناخته شده است.

دوره ابتدایی استقرار انقلاب اسلامی، تحت تأثیر همین روشنفکران، یعنی آل‌احمد و شریعتی واقع می‌شود و با شروع جنگ تحمیلی، پروژه روشنفکری، دوره فترت خود را آغاز می‌نماید؛ اما بعد از جنگ تحمیلی، در عرصه تحولات سیاسی - اجتماعی و گسترش جامعه مدنی و امکان استفاده از تجربه روشنفکران قبلی و حتی نقد آنها، به تدریج، در تعامل با ساختار سیاسی صف‌آرایی کرده و گاهی، رقیبان دیرینه خود را به چالش‌های فرهنگی و

۱. تقی آزاد ارمکی: *مدرنیته ایرانی*؛ ص ۲۱۸.

۲. علی قیصری: *روشنفکران ایران در قرن بیستم*؛ ص ۱۴۶.

سیاسی دعوت می‌نمایند. طرح پرسش‌های جدید فرهنگی از منظر تجدد، بخش‌های سنتی فرهنگ را به پاسخ‌گویی واداشته و آنها چاره‌ای ندارند که روابط و مناسبات خود با قسمت‌های فرهنگ و گروه‌های مرجع جدید، که اغلب نوظهورند، را تعیین تکلیف نمایند. از سوی دیگر، روشنفکرانی با ویژگی نقادی سنت و مدرنیته، از طریق اتکا به میراث فرهنگی خود، تلاش می‌کنند به دور از گفتمان تجدد و سنت‌گرایی محض، جبهه جدیدی با تکیه بر تمدن اسلامی در دنیای جدید باز کنند.

بعد از شکل‌گیری اولیه انقلاب، روشنفکران دینی، به‌عنوان یک «بخش تأثیرگذار»، مانند مرسوم بازرگان و سایر همفکران او، با شناسه‌ای تحت عنوان روشنفکران ملی - مذهبی جزء اولین گروهی بودند که گوی سبقت در همکاری با نظام جمهوری اسلامی را نسبت به سایر روشنفکران ربودند و نیز با سرعت فزاینده‌ای در زمانی کوتاه از عمر انقلاب، همکاری خود را قطع کردند؛ اما این روند متوقف نشد تا اینکه گفتمان‌های مسلط و خرده‌گفتمان‌های روشنفکران تجددگرای دینی از جریان‌های متفاوت، مانند معرفت‌اندیشان، معنویت‌گرایان و حتی خرده‌روشنفکران دینی عمل‌گرا، مانند کارگزاران و روشنفکران دینی، که در ابتدا ایدئولوژیک می‌اندیشیدند (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) و اغلب با نظام همکاری می‌نمودند و نیز روشنفکران طرفدار بازسازی ایده شریعتی، به تدریج، در صورت‌بندی‌های جدید قرار گرفتند. از سوی دیگر، روشنفکران سکولار و لائیک، ضمن به‌حاشیه‌رفتن، به دلیل اندیشه‌های غیربومی و کلیشه‌ای غربی خود، خاموش نشستند و در گفتمان تجددخواهی خویش بازنگری کردند و صورت‌بندی‌های مخصوص خود را به‌نمایش گذاشتند. در این صورت‌بندی‌ها، ملاک و معیار، پابندی به آرمان‌های انقلاب و نیز هنجارهای تبدیل‌شده به قواعد و منابع در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. در این مجموعه، برخی به تدریج، از زمینه‌های ساختارهای سیاسی - فرهنگی فاصله گرفتند و به مباحث معرفت‌شناسانه و یا به گفتمان مقابل جمهوری اسلامی دامن زدند که در نهایت، هنجارهای مرسوم و پایه‌ای

جمهوری اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار داده، حتی گذشته روشنفکری خویش را نیز نقد کردند.

با این همه، مروری بر ادبیات موجود، نشان می‌دهد که داورهای واقع‌بینانه و جامعی از صورت‌بندی، مسائل و جریان‌های روشنفکری دینی در تعامل با ساختارهای سیاسی و فرهنگی وجود ندارد و حتی در تعریف روشنفکری دینی اختلاف‌نظر وجود داشته و برخی مخالفین تا آنجا پیش رفته‌اند که مفهوم روشنفکری دینی را متناقض‌نما تلقی کرده‌اند که در این پژوهش به نظر آنها نیز اشاره خواهد شد.

با توجه به مطالب فوق، نیاز مبرم به شناسایی، علت‌کاوی و صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی احساس می‌شود. از این‌رو، در این تحقیق صورت‌بندی روشنفکری به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم می‌شود تا با بررسی چرایی و چگونگی ظرفیت‌ها، امکانات، دغدغه‌ها و بن‌بست‌های احتمالی، روشنفکران با ساختارهای گوناگون و صورت‌بندی‌های متفاوت آشکار شوند. این پژوهش، به‌لحاظ زمانی، از تأسیس جمهوری اسلامی تا کنون را شامل می‌شود.

اهداف

- توصیف و بازخوانی جریان‌های روشنفکری (دینی و غیردینی) به‌لحاظ رویکرد، خاستگاه، ماهیت و عملکرد آنها؛
- توصیف گونه‌شناسی و صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی؛
- تأکید بر جریان روشنفکری اصیل و کارآمد.

ضرورت تحقیق

- انسجام و سامان‌دادن به بحث روشنفکری در ایران اسلامی؛
- ضرورت تبیین جریان روشنفکری در جمهوری اسلامی، به‌منظور رفع شبهات نسل جدید.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های به‌عمل آمده در مورد استفاده از چارچوب‌ها و روش‌های ساختار - کارگزار، می‌توان از کار آقای خدایار مرتضوی در پایان‌نامه خود، در دانشگاه تربیت مدرس، با عنوان «انسجام درونی ارائه سیاسی نوگرایان معاصر» نام برد و نیز کار آقای محمد ستوده با الگوی ساختار - کارگزار، در پایان‌نامه دکترای خود، در دانشگاه تهران، با عنوان «سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل» که اکنون به‌صورت کتاب چاپ شده است، نام برد که محقق، این الگو را در گرایش روابط بین‌الملل به‌کار برده است. همچنین پایان‌نامه آقای محمد آل‌غفور در دانشگاه امام صادق از الگوی ساختار - کارگزار در پایان‌نامه دکترای با عنوان «پیامدهای سیاسی برنامه توسعه دوم و سوم جمهوری اسلامی» می‌توان نام برد و در مورد جریان‌های روشنفکری دینی، تلاش‌های شایانی صورت گرفته است؛ از جمله تلاش آقای احمد بخارایی در کتاب *دموکراسی و دشمنانش* که نویسنده، بیشتر به مباحث آزادی و دموکراسی در دوره آقای خاتمی پرداخته و به‌صورت مستقل به جریان‌های روشنفکری دینی و تعامل آنها با حاکمیت پرداخته است؛ اما تحقیقی که به جریان روشنفکری دینی به شکل مطلوب‌تری پرداخته است، کتاب *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*، اثر فرزین وحدت^۱ است که به‌علت پرداختن به مقوله روشنفکری با مبانی اندیشه‌ای حائز اهمیت است. به اعتقاد ایشان، مدرنیت مقوله‌ای صرفاً غربی نیست؛ بلکه در فرهنگ ایران نیز جایگاه مهمی دارد. او با بحث ذهنیت یا فاعل شناسا، مطالب خود را در یک رویکرد فرهنگی - اندیشه‌ای پیش برده است و مبنای تئوریک خود را در فصل اول از نقطه نظرهای کانت و هگل آغاز می‌کند. در فصل دوم، توجه خود را بر روشنفکرانی، مانند ملک‌مخا، میرزا آقاخان کرمانی، آخوندزاده، طالبوف و سیدجمال‌الدین اسدآبادی متمرکز می‌کند و نقش آنها را در پایه‌گذاری گفتمان مدرنیت در ایران نقد و بررسی می‌کند. در

۱. ر.ک به: فرزین وحدت؛ *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*.

فصل سوم، تحولات قرن بیستم را در گفتمان مدرنیت مورد بحث قرار می‌دهد و برگرایش‌های، عمدتاً فکری تکیه می‌کند. نویسنده در این فصل به اندیشه‌های جلال آل‌احمد و داریوش شایگان می‌پردازد و جلال را ضد مدرنیت معرفی کرده و گزنده‌ترین انتقاد جلال را متوجه روشنفکران غیرمذهبی می‌داند و در مورد شایگان نیز، با استناد به مطالب خودش، معتقد است که تمدن‌های آسیایی هیچ‌گونه سختیتی با ایدئولوژی مدرن غربی ندارند؛ هرچند که نویسنده مواضع پیش از انقلاب داریوش شایگان را با بعد از انقلاب متفاوت می‌داند. در فصل چهارم، گفتمان انقلاب اسلامی در دهه‌های چهل و پنجاه، زمان محمدرضا پهلوی و رابطه آن با اصول مدرنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد و اندیشه‌های امام خمینی، مرحوم شریعتی و شهید مطهری که معماران انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند، را مورد مطالعه قرار می‌دهد. نویسنده معتقد است، اندیشه هر سه آنها واکنشی به گفتمان مدرنیت بود که با واژه ذهنیت باواسطه (فاعلی که نگاه متافیزیکی دارد) به توضیح آنها می‌پردازد که تا اینجا، مباحث نویسنده، پروژه ما را پوشش نمی‌دهد؛ اما در فصل پنجم، به علت پرداختن به آرای سروش و داوری، تا حدودی به مباحث ما مرتبط می‌شود. نویسنده در این فصل، با توجه به دو شخصیت داوری و سروش، به بررسی گفتمان‌های پس‌انقلابی می‌پردازد که داوری ذهنیت و عقل را به مثابه غرب‌زدگی مورد نقد قرار می‌دهد و گفتمان انقلاب اسلامی را پادزهر غرب‌زدگی تلقی می‌کند؛ اما سروش درحالی‌که در گسترش ذهنیت باواسطه تلاش می‌کند، در گسترش پیامدهای اندیشه عرفی نیز به همان میزان تلاش می‌کند. در پایان، نویسنده توصیه می‌کند تنها راه چاره ایران، گرایش به ذهنیت فردی است که در غرب به تجربه درآمده است.

یکی دیگر از تحقیق‌های مهم در حوزه روشنفکری، کتاب *اسلام، دموکراسی و نوگرایی در ایران*^۱ اثر فروغ جهان‌بخش می‌باشد. نقطه عزیمت نویسنده در این

۱. فروغ جهان‌بخش: *اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران (از بازرگان تا سروش)*.

تحقیق، مسئله سازگاری یا عدم سازگاری اسلام و دموکراسی است که در پی آن، مباحث خود را در فصل اول و دوم، متوجه عناصری از متون دینی، سنت و سیره نبوی می‌کند تا رویکرد اندیشمندان دینی را در سازگاری بین اسلام و دموکراسی نشان دهد. در فصل سوم و چهارم، به پیدایش روشنفکری و نوگرایی دینی در ایران و سیر تحولات و تطوراتی که در آغاز پیدایش، وجود داشته است می‌پردازد، سپس به آرای اندیشمندانی مانند امام خمینی، بازرگان، شریعتی و مطهری پرداخته و از میان اندیشه آنها صرفاً به سلسله مباحث مربوط به دموکراسی می‌پردازد و آنها را نقد می‌کند. سرانجام در فصل پنجم، به تبیین روشنفکری دینی در ایران پس از انقلاب می‌پردازد که آرای سروش در باب دموکراسی و حکومت، دموکراسی دینی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ درواقع، فصل پنجم این کتاب، صرفاً با تحقیق ما مرتبط می‌شود. درمجموع، نویسنده معتقد است، جریان پیشین اندیشه دینی، در پاسخ و واکنش به ایدئولوژی‌های رایج آن زمان، به‌ویژه مارکسیسم اوج گرفت و نهایتاً در شکل یک ایدئولوژی اسلامی ظاهر شد؛ ولی با کمال تعجب، جنبش روشنفکری اسلامی اخیر، به‌مثابه جریانی مغایر با شیوه و سبک ایدئولوژی حاکم شکل گرفته است. این جریان نوظهور را به سروش منتسب می‌کند که ضمن داشتن اصالت اسلامی، اصالتاً مدرن نیز هست. از نظر او، تحقیق این جریان در ایران نشان می‌دهد که در عین اسلامی‌بودن، بنیادگرانبودن ممکن است.

ازجمله تحقیق‌های مرتبط به بحث صورت‌بندی روشنفکری، کتاب *روشنفکران ایران در قرن بیستم*^۱ اثر علی قیصری است. نویسنده در ابتدا، روشنفکری را به‌مثابه آدم‌های تحصیل‌کرده که با حیات فکری سروکار دارند، در نظر می‌گیرد. او به روشنفکران ایران در قرن بیستم می‌پردازد و معتقد است، آنها افرادی هستند که سعی دارند به بینش روز مجهز باشند و دائماً در فکر تغییر یا تحول اجتماعی - سیاسی هستند و می‌کوشند خود را با روح عینی

۱. علی قیصری؛ *روشنفکران ایران در قرن بیستم*.

دنایای مدرن، یعنی با پدیده تغییر و تحول، به مثابه جریانی که به لحاظ تاریخی اجتناب‌ناپذیر است، تطبیق دهند و مبشر آن باشند؛ آنها به لحاظ تاریخی بی‌اعتماد به قدرت هستند؛ گرچه، بی‌اعتمادی به دولت همیشه مانع از آن نبوده که بعضی از آنها به استخدام دولت دربیایند؛ برای مثال اواسط دهه ۱۹۲۰ که بسیاری از روشنفکران، به حمایت از حکومت جدیدالتأسیس پهلوی برخاستند و همانند نظامیان و کارمندان دولت، به تدریج به آن وابسته شدند؛ اما برخلاف آن دو گروه، طایفه‌ای نکشید که روشنفکران در خصوص مشروعیت رژیم پهلوی تردید کردند و نگران نفوذ فرهنگ غرب شدند. نویسنده در بخش دیگر کتاب، ضمن اشاره به نهضت مشروطه، به نقش روشنفکران تجددگرا و علما در اشاعه و ترویج عدالت اجتماعی اشاره می‌کند؛ ولی آنها را در نهادهای ساختن اصول و مبانی خود در فرهنگ سیاسی ایران موفق نمی‌داند. قیصری در ادامه مطالب خود، به دغدغه‌های روشنفکران در رژیم پهلوی و به علل تبدیل شدن آنها به اپوزیسیون و شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌پردازد و در بخش پایانی کتاب نیز، به اختصار، برخی تعابیر ایدئولوژیک در دوران پس از انقلاب را ارائه می‌کند که این قسمت می‌تواند با بحث ما مرتبط باشد. در مجموع، نویسنده معتقد است که گفتمان روشنفکری در پی تجدد است؛ بی‌آنکه از شالوده‌های فلسفی غرب بهره‌مند باشد و در حوزه‌ای قبول مسئولیت کرده است که نمی‌تواند وعده‌ها و وظایفی را که از آن انتظار می‌رود، به انجام برساند؛ انتظاراتی که، به قول نویسنده، روزگاری برعهده مذهب بود.

کتاب مهم دیگر، روشنفکران دینی و مدرنیته،^۱ اثر مسعود پدram است که در سه حوزه متفاوت، ولی مرتبط با هم، مسائل روشنفکری دینی را پیگیری می‌نماید. او معتقد است؛ در ابتدای پیروزی انقلاب، اغلب روشنفکران دینی تحت تأثیر انگاره‌های شریعتی بر این باور بودند که، به آسانی، می‌توان از طریق گزینش جنبه‌های مثبت سنت مذهبی و انگاره‌های مدرن به جامعه اسلامی

۱. مسعود پدram؛ روشنفکران دینی و مدرنیته.

دست یافت؛ اما در بستر تجربه، ایده‌ها و دغدغه‌های شریعتی برای آنها زمینه لازم را فراهم نمی‌آورد تا جامعه اسلامی شکل گیرد. روشنفکران در این مقطع، در صحنه عمل، درگیر ساماندهی و ایجاد دولت اسلامی می‌شوند؛ ولی ناتوانی نسبی تثوریک آنها در برپایی نهادهای مدرن، در قالب تعریفی اسلامی و ایدئولوژیک در ایجاد حکومتی اسلامی، زمینه را برای تفوق نیروهای سنتی فراهم می‌آورد؛ اما به تدریج، جنبشی فکری آغاز می‌شود که دوره گفتمان مسلط آن از منظر لیبرالی طرح می‌شود. نویسنده معتقد است، دو چالش مهم، مشخصه این گفتمان است: یکی ایدئولوژیک‌دیدن حاکمیت جمهوری اسلامی؛ و چالش دیگر، مقابله کردن با انگاره‌های شریعتی. این گفتمان، به تدریج، به صورت ایده‌های سروش در دفاع از مدرنیته شکل می‌گیرد. او مفاهیم عقلانیت، علم مدرن و پیشرفت را در بستر یک مذهب سکولار شده تبیین و توجیه می‌کند؛ ولی چندی بعد، با شرح و ترجمه آثاری درباره نظریه انتقادی و پسامدرنیته، دیدگاه‌های سروش با چالشی جدی مواجه می‌شود و پرسش‌های مهمی صورت می‌گیرد؛ مانند اینکه، جامعه ایران چگونه می‌تواند عناصر مدرنیته را کسب کند، درحالی‌که با اعتقادات مذهبی درآمیخته است؟ چگونه چنین جامعه‌ای می‌تواند سنت را ندیده بگیرد و یکباره رو به سوی نظام لیبرال کثرت‌گرا و سکولار آورد؟ تازه این اول راه است و بسیاری از روشنفکران نتیجه می‌گیرند که جامعه آزاد و مدنی که سروش تجویز می‌کند، در بهترین حالت، چیزی نیست جز نوعی جامعه سرمایه‌داری که در غرب موجودیت یافته است؛ باوجوداین، از نظر پدرام، آنچه باعث استمرار تفکر سروش می‌شود، واکنش منفی روحانیت و حکومت نسبت به نظریه اوست. روشنفکر دیگری که نویسنده به آن می‌پردازد، رضا داوری است. نقد داوری از غرب بر اساس نگاه هستی‌شناختی هایدگر منجر به جابه‌جایی معنایی در گفتمان مخالفان مدرنیته می‌شود. به همین دلیل، سنت از طریق مباحث پسامدرن، دفاع می‌شود. از نظر نویسنده، در اواخر دهه دوم پس از انقلاب، انگاره‌های داوری و سروش، دیگر برای جامعه فکری پاسخ‌گو نیست. همگام با این تحولات، یک جریان روشنفکری که تلاش می‌کند، میان دیدگاه‌های سروش و داوری تعادل برقرار کند، در حال شکل‌گرفتن است. این جریان، مدرنیته را رد

نمی‌کند؛ اما آن را نقد کرده و نیز سنت را نادیده نمی‌گیرد؛ درحالی‌که عناصر مثبت و منفی آن را نقد و بررسی می‌کند. این جریان فکری می‌تواند با گفتمان شریعتی پیوند بخورد. در پایان، نویسنده نتیجه می‌گیرد که بازنگری و بازسازی گفتمان شریعتی از دو خطر جلوگیری می‌کند: رجعت به یک ایدئولوژی سنتی دینی، که به یک نظام سیاسی توتالیتر منجر می‌شود، و نیز خطر پذیرش مدرنیته نظام‌مند و حاکمیت لیبرالیسم. هرچند، آقای مسعود پدram در کتاب روشنفکران دینی و مدرنیته، از زاویه سنت و مدرنیسم موضوع را بررسی کرده است و نسبت به کتاب‌های قبلی از عمق بیشتری نیز برخوردار است؛ ولی موضوع تحقیق ما را پوشش نمی‌دهد.

در کتاب آقای فرهاد شیخ‌فریشتی به نام روشنفکر دینی و انقلاب اسلامی نیز بحث روشنفکری در دوره پهلوی مطرح شده است که خارج از محدوده زمانی تحقیق ماست و نیز در کتاب ماجرای غم‌انگیز روشنفکری در ایران به قلم سیدیحیی یثربی، که در حدود سی صفحه با عنوان روشنفکری تا رحلت امام خمینی (ره) بحث شده است، و همچنین کتاب‌های جریان‌شناسی سیاسی روشنفکران از نویسندگانی مانند آقای ظریفی‌نیا، مهرزاد بروجردی، سعید برزین، مرتجی، کدیور، سعید حجاریان، حاتم قادری، علوی‌تبار، عباس کاظمی، علی میرسپاسی، مراد ثقفی و... نوشته شده‌اند که بخش بسیار کوچکی از تحقیق ما را دربر می‌گیرد.

درمجموع، هیچ‌کدام از کتاب‌ها یا پایان‌نامه‌ها به صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند. در این تحقیق تلاش خواهد شد علاوه بر توصیف و گزارش از صورت‌بندی روشنفکری، با روش بازخوانی، مسئله تبیین شود.

سؤال اصلی

- گونه‌شناسی و صورت‌بندی روشنفکری، بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران (با توجه به پیشینه تاریخی روشنفکری) چگونه است؟

سؤال‌های فرعی

۱. شاخص‌ها، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی روشنفکری موجود در جمهوری اسلامی چگونه است؟
۲. صورت‌بندی روشنفکری سنتی‌اندیش در جمهوری اسلامی چگونه است؟
۳. صورت‌بندی روشنفکری تجددگرا در جمهوری اسلامی چگونه است؟
۴. صورت‌بندی روشنفکری مُجدّد در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

تعریف اصطلاحات و مفاهیم اصلی تحقیق

۱. روشنفکری

روشنفکری مقوله‌ای است از جنس کار فکری که پروژه عقلانی کردن ساحت‌های زندگی را از طریق انتقاد و آینده‌نگری دنبال می‌کند (تفکر عقلانی و انتقادی) و دارای شاخص‌های زیر است:

الف) عصری‌بودن و داشتن درک درست از زمانه خویش (آگاه به زمانه خویش)؛

- ب) داشتن تفکر انتقادی و تمایل به بازشناسی امور؛
- ج) در جست‌وجوی یافتن پاسخ و ارائه‌کردن راهکار برای سبک زندگی در دنیای معاصر؛
- د) تأکید بر نقش عقل و خرد.

۲. روشنفکری دینی

روشنفکری دینی مقوله‌ای است از جنس کار فکری که پروژه عقلانی کردن نصوص دینی و ساحت‌های زندگی را از طریق انتقاد و آینده‌نگری دنبال می‌کند. (نص‌محور، تفکر عقلانی و انتقادی).

در این تحقیق، صورت‌بندی روشنفکری دینی به سه بخش سنتی‌اندیش، مُجدّد و تجددگرا تقسیم می‌شود. با این توضیح که این صورت‌بندی از ایده‌های استاد علی‌اکبر رشاد الهام گرفته شده است. وی با نگاه جامعه‌شناختی

به جریان‌های علمی و فکری، مجموعه جریان‌ها و جهت‌گیری‌ها را در چارچوب سه طیف، ارزیابی و تبیین کرده است. وی هر سه جریان را بسیط و یکدست نمی‌بیند؛ اما در مجموع و با تکیه بر مختصات عمومی عناصر تشکیل‌دهنده هر طیف، هر مجموعه را یک جریان قلمداد می‌کند:

یک جریان را غرب‌باور و مقلد فرآورده‌ها و فکرهای غربی می‌شناسد که در فضای تفکرات شایع و مسلط غربی تنفس می‌کند، در قلمرو فلسفه و معرفت‌شناسی، دلبستگی خاصی به فلسفه‌های جدید با رویکرد نسبیست‌گرا و شکاکانه دارد؛ در قلمرو سیاسی، دل در گرو لیبرال - دموکراسی سپرده و در حوزه کلامی و الهیاتی نیز یک نوع دنباله‌روی از پروتستان - لیبرالیسم و مسیحیت مدرن‌شده و مسیحیت پس از رنسانس دارد و کوشش می‌کند در تفکر و تأملات دین‌شناختی‌اش از پروتستان - لیبرالیسم غربی الگوگیری و گریته‌برداری کند؛ در حوزه علوم سیاسی، علوم اجتماعی و انسانی به یک نوع اصالت‌دادن و مطلق‌انگاشتن نظریه‌های جدید در این حوزه، مبتنی بر سکولار - اومانیسم رسیده و درواقع، یک رویکرد ترجمه‌ای در ذیل فرهنگ غربی، ذهن و ضمیر آنها را اشغال کرده است. این جریان را «گفتنیان تجدید» می‌نامد.

جریان دومی هم که ریشه و پیشینه طولانی در جهان و جامعه علمی ایران دارد، جریان سنتی متحجری است که التزام به دین را با وجود، پیوند زده و عملاً، در قبال هرگونه ابداع و نوآوری از خود مقاومت نشان می‌دهد و از هر نوع نقد و ارزیابی پرهیز می‌کند. این جریان را «گفتنیان متحجر» می‌نامد. وی این دو جریان را از یک‌دیگر با هم مشترک می‌داند و آن این است که هر دو مقلدند: اولی، مقلد فکرهای بیرون مرزهاست و دومی، مقلد پیشینیان و اسلاف خودی.

در این میان، به جریان سوم اشاره می‌کند که از حدود دهه بیست در ایران شروع شده است. نام این جریان را «جریان مُجدّد» می‌نامد که دارای سه

ویژگی؛ وفاداری به میراث فرهنگی خود، مواجهه فعال با تفکر معاصر جهانی و کوشش برای نوآوری و نظریه‌پردازی است.^۱

در این تحقیق، به دلیل تمرکز بر بحث روشنفکری، جریان متحجر و متجمد نمی‌باشد یک صورت‌بندی روشنفکری باشد؛ زیرا در صورت‌بندی روشنفکری، اصولاً، تفکر متحجرانه جایگاهی ندارد. در مجموع، از این منظرها از ایده استاد علی‌اکبر رشاد بهره گرفته شده است و فقط در مورد جریان دوم است که ایشان «متحجر» نامیده‌اند که در صورت‌بندی روشنفکری نمی‌گنجد؛ بنابراین روشنفکری‌ای که مد نظر است، دارای شاخص‌های عصری بودن و آگاه به زمانه خویش بودن داشتن تفکر انتقادی و تمایل به بازشناسی امور یا بازیابی امور، در جست‌وجوی یافتن پاسخ و راه حلی برای پرسش‌ها و ارائه راهکار برای سبک زندگی در دنیای معاصر و در نهایت، خردگرایی و تأکید بر نقش عقل و خردورزی است. از این رو، صورت‌بندی در این پژوهش در سه گفتمان تجدیدگرا، مُجدد و سنتی‌اندیشان است. منظور از سنتی‌اندیشان روشنفکرانی است که علاوه بر مقابله با متحجران، برای سبک زندگی سیاسی جدید، اعتقاد به بازخوداندیشی و نقد دنیای معاصر از طریق سنت دارند و به علت اینکه در بحث روشنفکری، جریان‌های متحجر جایگاهی ندارند، در این پژوهش از روشنفکرانی به نام سنتی‌اندیشان، که در چالش با متحجران قرار دارند، استفاده شده است که این گروه خصلت‌های نسبی روشنفکری دارند.

۳. روشنفکر سنتی‌اندیش

روشنفکری است که اعتبار تاریخی و اصالت پدیده را با قدمت آن می‌سنجد و برای سبک زندگی، سنت را بازسازی می‌کند و نیز بهره‌ای نسبی از خصلت‌های روشنفکری دارد و شاخه دینی آن، غالباً مدرنیته را نفی می‌کند.

۱. علی‌اکبر رشاد؛ دین‌پژوهی معاصر؛ ص ۶۷-۱۵.

۴. روشنفکری تجددگرا

روشنفکری است که در برخورد با مدرنیته یا اصول مدرنیته، آن را می‌پذیرد و سنت را نقد می‌کند و یا به‌طور گزینشی، بخشی از مدرنیته را می‌پذیرد و سنت را نقد می‌کند. آنها نیز به‌طور نسبی، از خصلت‌های روشنفکری برخوردارند. این واژه از کتاب دین‌پژوهی معاصر اثر استاد علی‌اکبر رشاد اتخاذ شده است و سپس بسط و گسترش داده شده است.

۵. روشنفکر مُجدد

روشنفکری است که اصول مدرنیته و سنت‌گراها را نمی‌پذیرد و هر دو را با مبانی دینی نقد می‌کند و نیز به‌طور نسبی، از خصلت‌های روشنفکری برخوردار است. این واژه نیز از کتاب دین‌پژوهی معاصر اثر استاد علی‌اکبر رشاد اتخاذ شده است و سپس بسط و گسترش داده شده است.

۶. صورت‌بندی

منظور از صورت‌بندی در این پژوهش، این است که در قالب روشنفکری، نسبت جریان روشنفکری با قدرت، سیاست، فرهنگ، اقتصاد، توجه به برساخته‌های اراده و آگاهی روشنفکری در کنار کاربست‌های اجتماعی، و ملاحظه هویت‌شناور، سیال و ثابت جریان روشنفکری مورد سنجش قرار گیرد.

فرضیه تحقیق

گزاره اول: روشنفکران دینی بر اساس گرایش‌های دینی به سه گونه‌شناسی؛ سنتی‌اندیش، تجددگرا و مُجدد تقسیم می‌شوند که در رابطه با جمهوری اسلامی، گونه مُجدد، کارآمد و دارای اصالت است.

گزاره دوم: روشنفکران غیردینی بر اساس گرایش‌های غیردینی به دو گونه‌شناسی سنتی‌اندیش و تجددگرا تقسیم می‌شوند که در رابطه با جمهوری اسلامی ناکارآمد و حاشیه‌نشین هستند.

لازم به ذکر است که درواقع، ما یک فرضیه داریم؛ ولی به علت انشعاب در روشنفکری به مفهوم دینی و غیردینی از دو گزاره برای روشن‌شدن مطلب در ذهن مخاطب استفاده شده است.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب تعاملی ساختار - کارگزار، کوششی برای فراتررفتن از دوگانه‌انگاری بحث روشنفکری و ساختارها و گریز از روش‌های تقلیل‌گرایانه است. نظریه‌هایی که بر اصالت و محوریت کارگزار (روشنفکران) در مقابل ساختارها (فرهنگی و سیاسی) تأکید می‌کنند و از تعامل (Interaction) ساختار - کارگزار، صورت‌بندی‌ای شکل می‌گیرد که در بحث روشنفکری قابل استفاده خواهد بود.

روش تحقیق

روش این پژوهش، روش بازخورداندیشی (Reflexivity) است. روش بازخورداندیشی، غالباً، از ناحیه طرفداران چارچوب نظری ساختار - کارگزار مطرح گردیده است. حامیان این روش می‌گویند با ارائه ترکیبی از بعضی رویکردهای تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی به درک جدیدی از روش‌شناسی برسند. هر مقوله‌ای که از طریق بازنمایی اعمال به خود بازگردد و یا در جهان زیست، تغییر و تحول ایجاد کند و میادلات موجود را برای اقدامات بعدی جابه‌جا کند، می‌توان آن را رویکرد بازخورداندیشانه خواند.

سازماندهی تحقیق

بخش اول: مفاهیم، کلیات و تمهیدات نظری.

بخش دوم: صورت‌بندی روشنفکری سنتی‌اندیش (در جمهوری اسلامی):

- روشنفکری غیردینی سنتی‌اندیش.

- روشنفکری دینی سنتی‌اندیش.

بخش سوم: صورت‌بندی روشنفکری تجددگرا (در جمهوری اسلامی):

- روشنفکری غیردینی تجددگرا.

- روشنفکری دینی تجددگرا.

بخش چهارم: صورت‌بندی روشنفکری مُجدّد (در جمهوری اسلامی):

خاتمه: نتیجه و جمع‌بندی.

توضیحات

به علت اینکه عوامل ذهنی و عینی و مبانی روشنفکری، خود بحث مستقلی هستند که در پروژه دیگری گزارش خواهد شد؛ در این تحقیق به صورت‌بندی روشنفکران در عصر جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.